داستان‌های داوطلبانه

المپیادی که الگوی مشارکت اجتماعی است

سعید اصغرزاده

همیشه بهانه‌هایی وجود دارد برای کم‌کاری‌های ما! خیلی‌وقت‌ها پیش می‌آید که نه از جوانگرایی خبری است و نه از نخبه‌پروری. پس یک جوان چه زمانی می‌تواند داوطلب تجربه‌کردن شود؟ چندوقت پیش خبری را در همین صفحه خواندیم از برگزاری یک مدل المپیاد دانشجویی. چند مرکز اقتصادی و علمی و دانشگاه دست‌به‌دست هم داده بودند تا دانشجویان نخبه دانشگاه‌ها به‌صورت عملی ورود به بورس را بیاموزند. یعنی بالاخره در یک جای مملکت، الگوی مناسبی برای آشتی‌دادن دانشگاه و بخش اقتصادی کشور به‌وجود آمد و من فکر می‌کنم قابل تسری به سایر بخش‌های دیگر هم باشد، از تولیدات صنعتی گرفته تا تولید فکر و محتوا. کافی است برخی مراکز داوطلب‌شوند...

داشتم فکر می‌کردم که چه بسیارند صحنه‌های زندگی که بتوان برای جوانان شرایطی را مهیا کرد تا خودی نشان دهند و اصلا خودشان را بیازمایند و از دیگر سو می‌دیدم این کار، چه روش جسورانه و کم‌خطایی است برای جذب بهترین‌ها! ما می‌توانیم داوطلبانی را جذب کنیم و در صف کارآفرینان قرار بگیریم. اصلا قصه را از اول با هم مرور می‌کنیم و بعد برایتان چند مثال می‌زنم که می‌شود علاوه بر امور اقتصادی در سایر امور نیز به همین طریق مشارکت ایجاد کرد. فراموش نکنیم که تأثیر مشارکت اجتماعی بر کیفیت زندگی از اصولی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

صحبتم در مورد نخستین دوره المپیاد سبدگردانی دانشجویان کشور است که برخی در حد یک خبر عادی از کنار آن گذشتند و برخی حتی به آن نپرداختند. تقویت فرهنگ سرمایه‌گذاری و کارآفرینی با استفاده از آموزش و توسعه مهارت‌های دانشجویان، توسعه مهارت‌های کاربردی دانش مالی و سرمایه‌گذاری در بین دانشجویان، توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه در رشته‌های مالی و اقتصادی، حمایت اشتغال‌زایی با شناسایی دانشجویان نخبه و مستعد و همچنین جذب و بکارگیری در کسب و کارها از اهداف نخستین دوره المپیاد سبدگردانی دانشجویان کشور اعلام شده‌بود.

همه دانشجویان رشته‌های مالی در حسابداری و اقتصاد، مدیریت و صنایع دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم و فناوری می‌توانند با حداقل سرمایه ۱۰میلیون ریال در این المپیاد شرکت کنند. این در حالی است که حمایت مالی برای دانشجویان نخبه و برتر معرفی شده از واحدهای دانشگاهی از سوی حامیان مالی المپیاد صورت گرفته و سرمایه اولیه آنها به میزان ۱۰میلیون تومان نیز پرداخت می‌شود. دانشگاه‌ها پا را از این هم فراتر گذاشته‌اند و ترکیب فردی را به کار گروهی و جمعی بدل کرده‌اند تا چند تجربه توامان نصیب دانشجویان نخبه شود. مهم این است که هزینه این کارآموزی را نه دانشگاه می‌دهد و نه دولت و نه دانشجو! شاید اگر ایران نبود، به‌طور همزمان فیلم و گزارش لحظه‌به‌لحظه رقابت علمی جوانانمان را از رسانه‌های تصویری نیز می‌دیدیم!

در این مسابقه طولانی، بازده سبدگردانی افراد و گروه‌ها به‌صورت ۳ ماهه، ۶ ماهه و سالانه ارزیابی شده و جوایزی در پایان هر دوره به برندگان سبدهای سهام با بازدهی برتر اهدا خواهد شد. فکرش را بکنید که یک نفر را جذب می‌کنند که لیاقتش را داشته باشد. آن هم در این بورس بازار آشفته!

قاعده بازی را هم شفاف کرده‌اند: شرکت‌کنندگان برتر دارای حمایت مالی که زیان آنها به بیش از ۴۰درصد سرمایه اولیه برسد از دور مسابقات حذف خواهند شد اما سود حاصله نفرات برتر هنگام خروج از مسابقه به خودشان تعلق می‌گیرد و تنها سرمایه اولیه از گروه دانشجویان برتر باز پس گرفته خواهد شد و همچنین در صورتی که شرکت‌کنندگان در طول دوره شرکت در مسابقه دچار زیان شده باشند، مابه‌التفاوت سرمایه باقی‌مانده تا سرمایه اولیه از ایشان اخذ نخواهد شد. این یک تجربه استثنایی است. به خودم می‌گویم کاش، این حوزه را برای گروه‌های دیگر اجتماعی نیز می‌شد تدارک دید، چرا که الزاما آن‌که کار مالی و اقتصادی می‌کند، دروس مالی نخوانده است، آنچنان که من نویسنده، الزاما علوم انسانی نخوانده‌ام!

اعتبار هزینه برگزاری مسابقه برای حداکثر یکصدنفر از متقاضیان توسط حامیان مالی المپیاد پرداخت می‌شود. حامیانی مانند کارگزاری بورس بهگزین، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، شرکت بورس اوراق بهادار تهران، فرابورس ایران، بنیاد مستضعفان و برخی از شرکت‌های فعال حوزه پولی و مالی که المپیاد سبدگردانی دانشجویان نخبه کشور را برگزار می‌کنند. به نظرم این یک الگوی مناسب است که می‌تواند در بسیاری از مراکز حتی برای استخدام نیروی کارآمد هم مورد توجه قرار بگیرد. شما یک المپیاد یا مسابقه می‌گذارید. احتمال دارد مقداری ضرر مالی بکنید اما در انتها سود می‌برید چرا که نیروی انسانی مناسب خود را در آزمونی یکساله کشف کرده‌اید و دهها سال از او استفاده مناسب می‌برید.

آنچه برایم بیشتر جذاب آمد، این نکته بود که بپذیریم این یک مدل و الگوی مناسب است. کافی است، همین اقدام را در بین دانشجویانی که با کمک خیرین به ادامه تحصیل می‌پردازند، انجام دهیم. کافی است همین اقدام را در گسترش فضاهای علمی بین شهرهای مختلف کشور به انجام رسانیم. کافی است...

نمی‌دانم، فقط می‌دانم که اقدامی در خور توجه آغاز شده است و در صورت توجه مسئولان علمی مملکت و غافل‌نبودن رسانه‌ها از این اقدام، می‌تواند به موجی در سیستم آموزشی و هدایت بسیاری از سرمایه‌ها به‌سمت نخبه‌پروری موثر باشد.

هلال به جای مادرم

سیدایمان هاشمی | داوطلب هلال‌احمر

عصر یکی از روزهای فروردین سال ۸۸ بود. من هنوز مات‌ومبهوت به دیوار زل زده بودم و اتفاقاتی که از صبح افتاده بود رو با خودم مرور می‌کردم.

هنوز تو شوک حرفایی بودم که می‌شنیدم، شیر سماوری که باز مونده بود و آبی که رو زمین جمع شده بود، حتی غذایی که شبیه همه‌چیز بود غیر از کتلت، بودم! داشتم فکر می‌کردم که چرا مامان امروز این‌قدر آروم حرف می‌زد و رفتارهای غیرعادی از خود نشون می‌داد که صدای زنگ خونه دلهره‌هامو بیشتر کرد. از چهره پریشون خواهر و برادرم می‌تونستم بفهمم که اتفاق بدی در انتظاره، دل تو دلم نبود، آخه من منتظر جواب سی‌تی‌اسکن و جواب دکتر بودم. چیزی که شنیدم رو باور نکردم.

مادر من، مادر مهربون من تومور مغزی داشت! هزار تا فکر و خیال تو ذهنم بود که با خبر تأیید بدخیم بودنش فکرهای ناامیدکننده و تلخ هم بهش اضافه شد. بعد از گذروندن ماه‌ها و طی مراحل درمان حالش هر روز بد و بدتر می‌شد. روزهایی که خالی از شادی، پر از اضطراب، پر از فکر و خیال‌هایی بود که فقط با اشک و دعاهای شبانه همراه می‌شد. آخه خیلی سخته وقتی دکتری آدم رو از زنده‌موندن مادرت، چراغ خونه‌ات و گرمابخش کانون خانواده‌ات ناامید کنه. حتی تصور این که یه روزی قراره مادرم کسی که یک عمر زحمتمون رو کشیده برای همیشه ترکمون کنه دیوونمون می‌کرد چه برسه به این که شمارش معکوس عمرشو نظاره‌گر باشیم.

این اواخر مامان فاطمه من فقط روی تخت بدون هوشیاری می‌خوابید و ما به صدای نفس‌هایش گوش می‌دادیم. خدایا چقدر سخته که آدم هر روز از کنار عزیزش رد بشه و ذره‌ذره آب‌شدنش رو تماشا کنه و نتونه هیچ کمکی بهش بکنه. این فکرا باعث شد یه شب از خدا خواستم تا کمکم کنه تا به همه کمک کنم، چون می‌دونستم فقط خدمت‌کردن به همنوع خودم می‌تونه این دردم رو کم و کمی آرومم کنه.

به پیشنهاد خواهرم، با کانون دانشجویی هلال‌احمر آشنا شدم و تو یکی از اردوهای جهادی کانون که در یه روستای دورافتاده در اشتهارد بود، شرکت کردم. در حال رنگ‌زدن در مسجد بودم که یه مادر پیری که با چوبدستی‌اش به زحمت راه می‌رفت با لهجه خاص خودش گفت: «خدا خیرت بده جوون، خدا مادر تو بیامرزه پسرم، شما رو با این لباس که می‌بینیم، امید می‌گیریم.» یه نگاه به کاور سازمان جوانان که پوشیده بودم کردم و با افتخار و غرور گفتم، «سلامت باشی مادر وظیفه‌اس.»

به خودم گفتم خودشه، هلال‌احمر جایی که نه تنها برای من بلکه برای همه جوون‌های دیگه این امکان رو فراهم می‌کنه تا بتونن صادقانه به مردم خدمت کنن. با شرکت تو برنامه‌های عام‌المنفعه و فعالیت‌های امدادی هلال‌احمر می‌تونستم هم دعای خیر مردم رو بدرقه راه زندگیم کنم هم می‌تونستم فشارهایی که از ناتوانی در کمک به مادرم روی سینه‌ام بود رو کمتر کنم. بعدها وقتی تونستم به‌عنوان امدادگر جون مردم رو نجات بدم و تو زلزله ورزقان تونستم تسلی خاطری باشم برای اون مردم آواره و بچه‌های یتیم به تصمیمی که گرفته بودم، ایمان پیدا کردم.

مادرم یک‌سال بعد ۱۴ فروردین ۸۹ چراغ عمرش خاموش شد و مهم‌ترین عاملی که قلبم رو آروم می‌کرد، همون دعاهای خیر مردم بود. من ۷ ساله که با افتخار هلال‌احمری هستم. در این سال‌ها تو اکثر برنامه‌های بشردوستانه و امدادی هلال‌احمر هم به عنوان مربی هم به عنوان امدادگر با جون و دل خدمت می‌کنم و تمام لذت کارم به‌اینه که یه لبخند قشنگ روی لبای همنوعانم بشونم یا دل یه نیازمندی رو شاد کنم تا شاید بهم بگن «خدا خیرت بده جوون، خدا پدر و مادر تو بیامرزه».

یک خاطره تلخ در زندگیم به لطف خدا بعدها با ده‌ها خاطره شیرین با هلال مهربان کمی فراموش شد. می‌دونستم این تقدیر من بوده. یاد اون شعر پرمعنا افتادم که می‌گفت: گر ایزد ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری. هلال‌احمر تنها جایی بود که این بستر برای خدمت‌رسانی جوون‌ها رو فراهم می‌کرد و من هر روز خدا رو شکر می‌کنم که کمکم کرد تا کمک کنم.

به مناسبت روز جهانی پرندگان مهاجر

انرژی را با پرندگان سازگار کنیم

روز جهانی پرندگان مهاجر، مناسبتی است که از سال ۲۰۰۶ توسط دو نهاد بین‌المللی فعال در زمینه حیات‌وحش یعنی کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی (CMS) و تفاهمنامه همکاری حفاظت از پرندگان مهاجر آبی آفریقا و اوراسیا (AEWA) و با هدف جلب توجه همگان به موضوع حفاظت از پرندگان مهاجر و زیستگاه‌هایشان ترتیب داده شده است. برنامه‌های مرتبط با این مناسبت هر ساله طی ۲ روز در ماه می میلادی به‌طور هماهنگ در جهان به اجرا درمی‌آید. مراسم روز جهانی پرندگان مهاجر در سال جاری، در روزهای ۱۹ و ۲۰ اردیبهشت‌ماه برگزار شد. در عصری که تقاضای جهانی برای انرژی دایما در حال افزایش است، ابداع شیوه‌های نوین تولید انرژی و افزایش استفاده از انواع انرژی‌های تجدیدشونده، نکته‌ای کلیدی برای داشتن آینده‌ای با محیط زیستی سالم‌تر است. اما تحقق مفهوم توسعه پایدار در مدیریت، تولید، توزیع و مصرف انرژی عملی نمی‌شود، مگر آن‌که حفاظت از تنوع‌زیستی و به‌ویژه پرندگان مهاجر در این مقوله درنظر گرفته شود. درحال حاضر باتوجه‌به نیاز روزافزون بشر به تولید و مصرف انرژی، سازه‌ها و تأسیسات گوناگونی نیز در این رابطه احداث می‌شود. با وجود تلاش جامعه جهانی برای دستیابی به آینده‌ای کم‌کربن و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر اما تولید انرژی همچنان در تضاد با طبیعت بوده و برای آن زیان‌آور است. شعار روز جهانی پرندگان مهاجر در سال جاری Energi – make it bird friendly! یعنی انرژی را با پرندگان سازگار کنیم! انتخاب شده است. این شعار با هدف نشان دادن این موضوع انتخاب شده است که استقرار تأسیسات مرتبط با تولید و توزیع انرژی باید به نحوی باشد تا آسیب به پرندگان مهاجر، مسیرهای مهاجرتی و زیستگاه‌های آنها را به حداقل برساند. همه‌ساله میلیون‌ها پرنده مهاجر در مواجهه با تأسیسات تولید و توزیع انرژی در مسیرهای مهاجرت خود دچار اختلال شده یا زیستگاه‌های طبیعی خود را از دست می‌دهند. تعدادی زیادی از پرندگان مهاجر بر اثر برخورد با خطوط انتقال برق طی مهاجرت از بین می‌روند یا بر اثر استقرار تأسیسات تولید انواع انرژی‌های بادی، آبی، خورشیدی و... زیستگاه‌های خود را از دست داده و به نقاط دیگری با شرایط نامناسب کوچ می‌کنند.

اگرچه انتظار می‌رود پرندگان مهاجر نیز، از فواید تولید پایدار انرژی‌های تجدیدپذیر با کاستن از روند تغییر اقلیم و اثرات منفی آن بهره‌مند شوند؛ اما اگر روش‌های موجود تولید انرژی، بدون برنامه‌ریزی و طراحی مناسب و نیز ارزیابی ریسک مورد استفاده قرار گیرند، تهدیدی بزرگ برای حیات پرندگان مهاجر خواهند بود.

> **تعداد زیادی از پرندگان مهاجر بر اثر برخورد با خطوط انتقال برق طی مهاجرت از بین می‌روند یا بر اثر استقرار تأسیسات تولید انواع انرژی‌های بادی، آبی، خورشیدی و...زیستگاه‌های خود را از دست می‌دهند**

مهاجران در ایران

پرنده‌هایی مانند طاووسک، فلامینگو، اردک سرسبز، اردک سرسفید و زاغ بور در همه فصول در کشورمان دیده می‌شوند اما گونه‌هایی نظیر خوتکا، قوی گنگ و غاز و پلیکان خاکستری زمستان‌ها در ایران دیده می‌شوند. گونه‌های دیگری نیز مانند سلیم طوقی کوچک، حواصیل ارغوانی و زرد و گلاریول بال سرخ در بهار و تابستان قابل رویت هستند، افزون بر این پرنده‌ای مانند آبچلیک نیز جزو گونه‌های مهاجر عبوری به حساب می‌آید. حدود ۳۵۰ گونه پرنده در کشورمان زادآوری می‌کنند، درنای سیبری، خروس کولی دشتی، دال پشت سفید و گیلان شاه‌خالدار چهار گونه از پرندگان مهاجر هستند که وضع بحرانی دارند، برخی دیگر نیز مانند اسکوتر بال سفید، اردک سرسفید، بالابان و کرکس مصری وضع نامناسبی داشته و حدود ۱۵ گونه دیگر نیز جزو گونه‌های آسیب‌پذیر به‌حساب می‌آیند.

حفظ زیستگاه‌ها

در کشورمان حدود ۶۰۰ سایت پرندگان وجود دارد اما از این تعداد ۱۰۵ زیستگاه که بیشتر حایز اهمیت است به ثبت بین‌المللی رسیده‌اند. بیشتر پرندگان مهاجری که برای زمستان‌گذرانی به کشورمان می‌آیند، در این زیستگاه‌ها ساکن می‌شوند. می‌توان گفت حفظ این زیستگاه‌ها که بیشترشان تالاب است، نقش ویژه‌ای در حفاظت از پرندگان مهاجر دارد. مقدم با اشاره به این که مسیرهای مهاجرتی پرندگان مرز سیاسی نمی‌شناسد، می‌گوید: برای نمونه پرنده‌ای مانند آبچلیک شکیل یا گیلان شاه حنایی ۲۸هزار کیلومتر سفر می‌کنند؛ بنابراین حفاظت از این پرندگان همکاری بیشتر کشورها را طلب می‌کند.

اکنون کنوانسیون حمایت از گونه‌های وحشی مهاجر (CMS) در این زمینه فعالیت می‌کند. برای نمونه این کنوانسیون سال ۱۹۹۳ تفاهمنامه‌ای برای حفاظت از درنای سیبری تنظیم کرد تا به این شکل علاوه بر این که کشورها میزان تدابیر حفاظتی خود را بیشتر می‌کنند، کشورهایی نیز که در مسیر مهاجرت پرندگان قرار دارند باید در این باره بیشتر تلاش کنند.

گنجینه‌ای به‌نام گردشگر پرنده‌نگر

این در حالی است که به گفته کارشناسان، جمعیت پرندگان مهاجر بین ۱۰ تا ۱۵میلیون است اما سهم کشورمان در این میان حدود ۲میلیون پرنده است. نکته اینجاست چنانچه زیرساخت‌ها برای آنها مناسب شود به‌طور حتم سهم کشورمان از پرندگان مهاجر بیشتر خواهد شد و به این شکل می‌توان از فرصت‌های بی‌نظیری مانند گردشگری پرنده‌نگر بهره برد. نکته اینجاست که درآمد گردشگری پرنده‌نگر بسیار بیشتر از شکار است و کشورهای اروپایی به این واقعیت پی برده‌اند؛ به همین دلیل تمام تلاش خود را برای گسترش این صنعت به کار گرفته‌اند. تعداد طرفداران پرنده‌نگری در کشوری مانند انگلستان آن‌قدر زیاد است که برخی‌ها می‌گویند طرفداران پرنده‌نگری در این کشور بیشتر از طرفداران فوتبال است، زیرا آنها از کودکی با پرنده‌نگری آشنا می‌شوند. برای نمونه در بین اعضای گروه پرنده‌نگر هلندی که مدتی قبل برای سرشماری پرندگان به ایران آمده بودند، افرادی دیده می‌شد که کارگر بیمارستان یا شرکت پنیرسازی بودند اما از برخی کارشناسان ما معلومات بیشتری درباره پرندگان داشتند.

۴

پاورقی هفته

بهترین مهدکودک دنیا

تاکاهارو تزوکا

معمار

من آنها را محبوس نکردم. یک کلاس و یک سینک دستشویی وجود دارد. آنها دور سینک با همدیگر صحبت می‌کنند. همیشه چندتا درخت در کلاس درس وجود دارد. یک بچه سعی بر گرفتن یک بچه دیگر در آن بالا می‌کند. هر کلاس درس حداقل یک پنجره سقفی دارد.

درست کنار ساختمان بیضی شکل مهدکودک، یک ساختمان ضمیمه وجود دارد. ساختمان تنها ۵ متر ارتفاع و ۷ طبقه دارد. البته، ارتفاع سقف‌ها خیلی کوتاه هستند. باید به ایمنی بسیار توجه داشت. خب ما بچه‌های خودمان را آن‌جا بردیم یه دختر و یه پسر. آنها تلاش می‌کردند، داخل شوند و سرشان به دیوار می‌خورد اما هیچ مشکلی پیش نیامد.

همانطور که می‌دانید، ترافیک در توکیو افتضاح است. بچه‌ها باید یاد بگیرند چطوری رانندگی کنند. خب این روزها، کودکان نیاز به دوز پایینی از خطر دارند و در این شرایط، یاد می‌گیرند که به یکدیگر کمک کنند. این جامعه است. این فرصتی است که این روزها آنها را از دست می‌دهیم.

یک نرم‌افزار که میزان فعالیت یک کودک را از ساعت ۹:۱۰ تا ۹:۳۰ نشان می‌داد در محیط این مهدکودک که ۱۸۳ متر است و خیلی هم کوچک نیست. یک پسر ۶هزار متر در صبح راه رفت. اما هنوز تعجب در راه است. کودکان در مهدکودک به‌طور متوسط ۴هزار متر راه می‌روند. این کودکان در مقایسه با سایر مهدکودک‌ها بیشترین قابلیت ورزشکاری را دارند. مدیر مهدکودک می‌گوید، «من آنها را آموزش نمی‌دهم. ما آنها را روی بام به حال خود می‌گذاریم و آنها دایما می‌دوند.»

منظورم این است که کنترل‌شان نکنید، خیلی از آنها حفاظت نکنید، آنها گاهی لازم است به زمین بیفتند. گاهی لازم است بدنشان زخم شود. این باعث می‌شود که آنها یاد بگیرند چگونه در این جهان زندگی کنند. فکر می‌کنم معماری توانایی تغییر جهان، و زندگی مردم را داراست و این یکی از تلاش‌ها برای تغییر زندگی کودکان است.

اخبار نیکوکاری

رئیس خیرین مدرسه‌ساز کشور:

۳۵درصد مدارس کشور با کمک خیران احداث می‌شود

محمدرضا حافظی ظهر در هفدهمین جشنواره خیرین مدرسه‌ساز استان گلستان، اظهار داشت: با وجود ساخت‌وساز مدارس زیادی که به دست خیرین مدرسه‌ساز در کشور انجام شده، اما باز هم نیاز مبرمی به مدرسه در کشور حس می‌شود.

وی افزود: در کشور ۶هزار و ۸۰۰ پروژه نیمه‌کاره دولتی وجود داشت که خیرین مدرسه‌ساز تاکنون یک‌هزار و ۵۰۰ پروژه را به اتمام رسانده‌اند و بقیه این پروژه‌ها نیز در اولویت کاری ما هستند. رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز کشور به سال‌های آغازین شروع این حرکت اشاره کرد و گفت: در نخستین سال آغاز به کار خیرین مدرسه‌ساز، ۱۶میلیارد و ۸۰۰میلیون تومان، سال دوم ۴۰میلیارد تومان و سال سوم ۸۰میلیارد تومان کمک از خیرین جمع شد و بعد این رقم در سال ۸۸ به ۷۴۰میلیارد تومان رسید.

به‌گفته وی، در سال ۸۸ میزان تعهد دولت ۳۸۶میلیارد تومان بود که با پیگیری به ۵۰۰میلیارد تومان رسید.

• • •

اولین مرکز تخصصی درمانی بیماری‌های خاص در لرستان احداث می‌شود

رئیس مجمع خیرین سلامت لرستان گفت: اولین مرکز بیماری‌های خاص با مشارکت خیر سلامت و دانشگاه علوم‌پزشکی در خرم‌آباد راه‌اندازی می‌شود.

دکتر دلفان گفت: نیکوکاران سلامت که با اقدامات خیر و خداپسندانه خود تاکنون منشأ خدمات ارزشمندی در حوزه سلامت استان بوده‌اند، این بار نیز با اقدام سخاوتمندانه حاجیه خانم کدخدائی، مادر گرانقدر استاد فرزانه، دکتر حمیدرضا کدخدائی فوق‌تخصص جراحی توراکس با اختصاص ۱۰میلیارد ریال کمک مالی، زمینه احداث اولین مرکز بیماری‌های خاص در لرستان مهیا کرده‌اند.

وی در ادامه افزود: این مرکز که یکی از نیازهای ضروری استان برای ارایه خدمات تخصصی به بیماران خاص است در زمینی به مساحت ۵۰۰ مترمربع و زیربنایی به متراژ ۲۵۰۰ مترمربع، در ۵ طبقه با احتساب پارکینگ احداث خواهد شد و کلنگ احداث آن تا عید مبعث پیامبر رحمت و مهربانی بر زمین زده خواهد شد.

معاون غذا و دارو دانشگاه علوم‌پزشکی لرستان در ادامه خاطرنشان کرد: هزینه اجرای این پروژه ۲۰ میلیارد ریال برآورد شده است که ۱۰میلیارد ریال آن توسط حاجیه خانم کدخدائی، نیکوکار بااصالت خرم‌آبادی تامین شده و مابقی هزینه که ۱۰میلیارد ریال است نیز توسط دانشگاه تامین شده، ضمن اینکه زمین محل اجرا نیز مربوط به اراضی تملکی دانشگاه در جنب بیمارستان شهیدرحیمی خرم‌آباد است و این پروژه در مدت ۱۸ماه از زمان کلنگ‌زنی که اوایل هفته آینده و مقارن با عید مبعث رسول‌الله(ص) است اجرا و احداث خواهد شد.

دلفان تصریح کرد: قرار است در طبقه اول و دوم این ساختمان بخش‌های دیالیز و در طبقات سوم و چهارم نیز بخش‌های هموفیلی و تالاسمی و MS دایر شود و با رایزنی‌های موثری که به عمل آمده، قرار است تجهیزات مورد نیاز این بخش‌ها که به بیش از ۲۰میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد، توسط انجمن بیماران خاص کشور و دیگر تشکل‌های مردم نهاد حوزه سلامت تامین شود.

• • •

پزشک خیّر تهرانی برای دو خانواده یتیم در دیر بوشهر خانه می‌سازد

مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) دیر استان بوشهر گفت: پزشک نیکوکار ساکن شهر تهران برای ۲ خانواده یتیم فاقد مسکن در این شهرستان خانه می‌سازد.

محمد پورسالم در گفت‌وگو با ایرنا افزود: عملیات اجرایی این دو واحد مسکونی در شهرهای بردستان و آبدان در دست انجام است.

وی اضافه کرد: هم‌اکنون پیشرفت این ۲واحد مسکونی ۷۰درصد است که احداث کامل آنها در مجموع ۸۰۰میلیون ریال هزینه دارد.

مدیر کمیته امداد دیر بیان کرد: همچنین این پزشک خیر تهرانی قول داده ۴ واحد مسکونی دیگر برای ایتام در شهرستان دیر احداث کند که هم‌اکنون با همکاری فرماندار و شهردار دیر پیگیر یک قطعه زمین برای ساخت این ۴ واحد مسکونی هستیم.

وی یادآور شد: سال گذشته نیز ۲ واحد مسکونی از سوی افراد نیکوکار در شهر آبدان و روستای آبکش این شهرستان احداث و تحویل ایتام شد.

پورسالم اظهار کرد: هم‌اکنون ۴۵۸ حامی از ۲۷۵ یتیم تحت پوشش کمیته امداد شهرستان دیر حمایت مالی و معنوی می‌کنند.

شهرستان دیر با ۵۲هزار نفر جمعیت در جنوب استان بوشهر واقع است.